

از عرفه تا عاشورا

«معرفت زیارت عاشورا و دعای روز عرفه»

گرد آورنده:

علی اصغر تویچی

انتشارات: پرnian مهر



فهرست

۹	مقدمه
---	------------

فصل اول

۱۳	۱- قیام حسینی
۱۹	۲- سلسله سجد زیارت عاشورا
۲۱	۳- زیارت امام حسین (ع)
۲۲	۴- عکس العمل خلفای عباسی نسبت به زیارت و زائرین امام حسین (ع)

فصل دوم

۲۵	ترجمه زیارت عاشورا
----	-------------------------

فصل سوم

۲۹	شرح فرازهای زیارت عاشورا
۲۹	۱- شجره نورانی نبوت
۳۰	۲- خون خدا
۳۱	۳- سوگ بزرگ و مصیبت عظمی
۳۵	۴- نفرت و نفرین بر ستم و ستمگر
۳۵	۵- مباحثان و زمینه سازان قتل عام
۳۷	۶- ولایت خون و شمشیر
۴۰	۷- خونخواهی کربلا، در رکاب حسین (ع) زمان
۴۲	۸- برائت شرط نخستین تقرب
۴۴	۹- آل محمد(ص) و خط زندگی و شهادت
۴۷	۱۰- شجره ی ملعونه ی بنی امیه
۵۰	۱۱- موالات و معادات، وسیله ی تقرب به حق
۵۱	۱۲- مستحقان لعن چه کسانی هستند؟

۵۲ ۱۳- تجدید پیمان و تحکیم میثاق

۵۵ ۱۴- صبر و رضا، مقام عاشقان صادق

فصل چهارم

۵۷ حدیث در فضیلت زیارت امام حسین(ع)

فصل پنجم

۵۹ فوائد تربیت امام حسین(ع)

فصل ششم

۶۱ دعای روز عرفه

۶۱ مقدمه (حضرت آدم، حضرت ابراهیم، پیامبر اکرم) در عرفات

۶۵ صحرای عرفات (کلاس شناخت و خودسازی امام حسین(ع))

۶۶ ۱- شناخت حق تعالی

۶۶ ۲- تجدید عهد و میثاق با خدا

۶۷ ۳- خودشناسی

۶۷ ۴- راز آفرینش انسان

۶۸ ۵- تربیت انسان در دانشگاه الهی

۶۸ ۶- نعمت‌های خداوند

۶۹ ۷- شهادت به بی‌کرانی نعمت‌های الهی

۷۰ ۸- ناتوانی بشر از بجا آوردن شکر الهی

۷۰ ۹- ستایش خدای یگانه

۷۱ ۱۰- خواسته‌های یک انسان متعالی

۷۱ ۱۱- سپاس به تربیت‌های الهی

۷۲ ۱۲- نیازهای تربیتی از خدا

۷۳ ۱۳- شکایت به پیشگاه خداوند

۷۳ ۱۴- ای مربی پیامبران و فرستنده‌ی کتب آسمانی!

۷۴ ۱۵- تو پناهگاه منی

۷۴	۱۶- لطف الهی به حضرت یوسف و یعقوب (ع).....
۷۴	۱۷- لطف الهی به حضرت ایوب (ع).....
۷۵	۱۸- لطف الهی به حضرت ابراهیم (ع).....
۷۵	۱۹- لطف الهی به حضرت زکریا (ع).....
۷۵	۲۰- لطف الهی به حضرت یونس (ع).....
۷۵	۲۱- لطف الهی به حضرت موسی (ع) و بنی اسرائیل.....
۷۵	۲۲- پیام آوران رحمت الهی.....
۷۵	۲۳- گنه‌بین و لطف خداوندگار.....
۷۶	۲۴- مقایسه‌ای میان رفتار ما و رفتار خداوند.....
۷۶	۲۵- ای کسی که نیازهایم را برآوردی.....
۷۷	۲۶- اقرار و اعتراف به الطاف الهی.....
۷۸	۲۷- اعتراف به گناه خویش.....
۷۸	۲۸- اظهار شرمندگی.....
۷۹	۲۹- تهلیل و تسبیح.....
۸۰	۳۰- ثنای پروردگار.....
۸۰	۳۱- نعمات را تمام و حاجاتم را روا فرما.....
۸۱	۳۲- درخواست بهترین عطایا.....
۸۱	۳۳- گسترش رحمت الهی.....
۸۲	۳۴- گسترش علم و توانایی و رأفت الهی.....
۸۲	۳۵- توجه به خدا توسط پیامبر (ص).....
۸۳	۳۶- دعای رستگاری.....
۸۳	۳۷- درخواست‌ها.....
۸۴	۳۸- خداوند مرا از شاکرین قرار ده.....
۸۴	۳۹- تسبیح کائنات.....
۸۴	۴۰- روزی حلال و نعمت سلامتی.....
۸۶	منابع و مصادر.....



رسول خدا حضرت محمد صلی الله و علیه و آله و سلم فرمود:

إِنَّ لِقَتْلَ الْحُسَيْنِ حَرَارَةً فِي قُلُوبِ
الْمُؤْمِنِينَ لَا تَبْرُدُ أَبَدًا

همانا شهادت حسین علیه السلام محبت و عشق سوزناکی را در دل های مؤمنان به وجود آورد، که حرارت آن ارادت و عشق، تا ابد سرد نخواهد شد.

(مستدرک الوسائل، ج ۱۰، ص ۳۱۸)

(بحار الانوار ج ۴۳، ص ۲۷۲)

مقدمه

امام حسین علیه السلام

او که حادثه‌ی عاشورا را آفرید و مکتبی بزرگ را پایه‌گذاری کرد. محرم ماه تجدید خاطره‌ها، خاطره‌هایی تاثیرگذار و در عین حال پرشکوه و پرافتخار. چهارده قرن پیش در این ماه حادثه‌ای رخ داد که نه تنها هنوز از خاطره‌ها محو نشده بلکه روز به روز بر شکوه و جلالتش نیز افزوده شده است. چهارده قرن پیش... زمان کمی نیست... هزار و چهارصد سال است. آن قدر طولانی است که هر حادثه‌ای را در خود هضم می‌کند و به دست فراموشی می‌سپارد. مقبره‌ی زمان این خاصیت را دارد که حوادث را در خود می‌پوساند، شکوه آن‌ها را درهم می‌شکند، اثر و احساس آن‌ها را محو و نابود می‌سازد. هر حادثه‌ای هر چه هم قوی و نیرومند باشد باز در مقابل اقیانوس زمانه، محکوم به مرگ و نیستی است، حداکثر این است که شبی بی‌رنگ از آن در تاریخ می‌ماند، تازه آن هم کهنه می‌شود و کم‌کم جای خود را به حوادث نوتری می‌دهد. ای عاشورا! تو چه هستی؟

در حدود هزار و چهارصد سال قبل، در سرزمینی دوردست و در میان ریگزاری خشک و بدون حیات، درخشیدن گرفتی، درخشیدی ولی با ابدیت پیوند گرفتی. از حدود قوانین ماده پا فراتر نهادی و حاکم بر زمان‌ها شدی. زمانه را با تمام قدرتش در مقابل خود تسلیم کردی. از دشت‌ها و دریاها عبور کردی..... کوه‌ها، دریاها، اقیانوس‌ها را درهم نورددی و به تمام جهان بشرنشین رسیدی.

ای عاشورا! تو چه هستی؟

که از مرز جسم‌ها گذشته و به روح و روان بشر ورود کردی ... قلب‌ها را تسخیر کردی، دل‌ها را مسحور خود ساختی و حاکم بر عواطف و احساسات میلیون‌ها مردم آزادی‌طلب شدی.

ای عاشورا! تو چه هستی؟

که این همه شیفته و شیدا داری. که نامت قلب‌ها را می‌لرزاند. به جان‌ها شجاعت و شهامت می‌بخشی. منبع الهام می‌شوی. و در برابر هرستم، ستم‌شکنی می‌سازی. این درس تو است که هر روز در سراسر گیتی تکرار می‌شود و ستمگران بزرگ و کوچک را به خود می‌لرزاند. و این ندای مقدس تو است که تازه پس از قرن‌ها، یک روز، آفریقا، سرزمین سیاهان را بومی‌انگیزد و روز دیگر استعمارزدگان آسیا را به جنب و جوش می‌اندازد. این تو هستی که قهرمان ضد ستم می‌سازی. به افکار روشنی می‌دهی تا چهره‌ی سیاه ستم را بنگرند، به بازوها نیرو می‌بخشی تا پیکر ستم را درهم بکوبند.

ای عاشورا! تو چه هستی؟ و قهرمان تو کیست؟

سخن بگو ... و قهرمان بزرگ خود را به ما بازشناسان. همان قهرمانی که تو را آفرید و جاویدانت کرد.

ای قهرمان بزرگ عاشورا! ای آفریننده‌ی صحنه‌ی پر جلال آن! ای حسین! تو کیستی؟

که نامت هاله‌ای از غم به همراه دارد و داستان به چشم‌ها اشک می‌دهد و ماه محرم‌ت چهره‌ی حیات میلیون‌ها مرد و زن را تغییر می‌دهد. تو کیستی؟ که آیین ظلم را درهم کوبیدی و ستم و ستمگر را منفور بشریت ساختی و مکتبی بزرگ و جاودانی را پایه‌گذاری کردی. مکتبی که درس عشق می‌دهد، راه و رسم فداکاری می‌آموزد و از خودگذشتگی و جانبازی را تعلیم می‌دهد.

مگر نه این است که تو برای نجات انسان‌ها بپا خاستی، خود و خاندان گرامیت را فدا کردی، فرزندان بزرگ و کوچکت را به استقبال مرگ و شهادت فرستادی و این‌ها همه را برای نجات بشریت انجام دادی.

برای نجات مسلمین و اسلام.

خواستی تا زنجیر عبودیت یزید را از گردن مردم برداری و در این راه زنجیر اسارت را بر گردن فرزندان پندیرا شدی. خواستی تا شمشیر ظالمانه‌ی یزید را از حلقوم رنج‌دیدگان برداری و در این راه، شمشیرهای بران را به جان خود و یارانت خریدی. خواستی تا تشنگان عدالت را سیراب سازی و در این راه، خود لب‌تشنه و جگرسوخته جان دادی.

ای حسین! بشریت فدای تو باد که خود را فدای بشریت ساختی.

آری، حسین برای ملت اسلام تنها یک نواده‌ی پیغمبر نیست، قداست او تنها برای این نیست که فرزند نخستین امام ماست، او علاوه بر این‌ها خود، امام است، پیشوا است، بزرگ است، یک سرمایه‌ی عالی و آموزنده است، از آنچنان سرمایه‌هایی است که در گنجینه‌ی معنویات هیچ ملت و جمعیتی همانندش یافت نمی‌شود، سرمایه‌ی عظمت است، سرمایه‌ی شرف و بزرگی است، سرمایه‌ای است که ملت‌های اسلامی خیلی خوب می‌توانند درس عظمت و فداکاری و عدم تمکین در مقابل ظلم و ستم را از صفحات ارغوانی‌رنگ زندگی او بیاموزند و بدبختی این جاست که ما هنوز این سرمایه‌ی پر جلال و شکوه معنوی را نشناخته و بهره‌برداری لازم را از آن نکرده‌ایم.

او به بشریت آموخته که چگونه باید در مقابل یک دستگاه جابر و ستمگر قیام کرد، و هم او بود که عملاً به دنیا اعلام کرد:

«إِنَّمَا الْحَيَاةُ عَقِيدَةٌ وَ جِهَادٌ»

زندگی جز عقیده و مبارزه در راه آن نیست، او با این منطق عالی، زندگی و حیات خونین‌رنگ خود را شروع کرد.



قَالَ الْحُجَّةُ عَلَيْهِ السَّلَامُ:
إِنِّي لَأَدْعُو لِمُؤْمِنٍ يَذْكُرُ مُصِيبَةَ جَدِّي
الشَّهِيدِ. ثُمَّ يَدْعُو لِي بِتَعْجِيلِ الْفَرَجِ وَ
التَّأْيِيدِ.

همانا من برای فرد شیعه‌ای که مصیبت جدّ شهیدم را یاد کند، و سپس برای تعجیل
فرج و تأیید (امر من) دعا کند، من (نیز) برای او دعا خواهم کرد.

(مکیال المکارم، ج ۲، ص ۴۶)